



در گفت‌وگو «وطن امروز» با معاون توسعه بازار سازمان کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران مطرح شد

دیپلماسی ترانزیت، نقطه قوت ایران در سازمان شانگهای

شمال و جنوب کشور، امور بندری و ترمینال‌داری و همچنین حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای است، می‌تواند بیش از پیش در خدمت تجارت دریایی کشور و تسهیل ترانزیت و همچنین افزایش تجارت مابین کشورهای عضو سازمان قرار گیرد.

■ **ظرفیت و ارزش افزوده ویژگی‌های ژئوپلیتیک ایران در عرصه دیپلماسی ترانزیت برای اعضای سازمان همکاری شانگهای را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

موقعیت ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران با توجه به وجود بنادر دریایی در شمال و جنوب کشور و همچنین شبکه ریلی سرتاسری و اتصال آن به راه‌آهن منتهی به منطقه اوراسیا و همچنین شبکه حمل‌ونقل جاده‌ای در داخل کشور، موقعیت بی‌بدیلی جهت ایفای نقش در کریدورهای ترانزیتی شامل کریدورهای شمال-جنوب، شرق-غرب، کریدور شمالی ایران و بالاحص سواحل جنوب شرقی کشور، عمده‌ترین مسیر دسترسی به آب‌های آزاد جهان برای کشورهای عضو محصور در خشکی، جایگاه ویژه‌ای را برای گسترش مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی از طریق ایران فراهم کرده است. برآیند ظرفیت‌های ارتباطی سواحل جنوبی و شمالی ایران و بالاحص سواحل جنوب شرقی کشور، عمده‌ترین مزیت‌های ایران در تجارت دریایی و ترانزیت کالا به دریاهای آزاد و سایر مناطق جهان و انتقال انرژی نفت و گاز را به دنبال دارد، بویژه آنکه سواحل دریای عمان دسترسی ترانزیتی سهل‌تر، سریع‌تر و ارزان‌تر را به پهنه‌های اقیانوسی بازمی‌کند که می‌تواند نتایج اقتصادی مهمی در زمینه‌های حمل‌ونقل، تجارت دریایی و امنیت انتقال انرژی داشته باشد. کرانه‌های ساحلی ایران در خلیج فارس و اقیانوس هند آن را به عنوان عضو مؤثری در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند بر نقش ایران در مناسبات منطقه‌ای و نیز ایجاد موازنه ژئوپلیتیک برای خروج از بحران‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیک خود مؤثر باشد. به دلیل نقش ارتباطی ایران در همه زمینه‌ها بویژه نقش ساحل عمان در پروژه‌های انتقال انرژی و کتلا و خطوط ریلی، ایران می‌تواند به ساماندهی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازد و از این طریق منافع کشورهای دیگر عضو را بی‌پند دهد و هم منزلت ژئوپلیتیک خود را در جهان و منطقه افزایش دهد و هم با بسترسازی اجماع منطقه‌ای و جهانی، فرصت‌های جدیدی را برای تضمین امنیت ملی خود تولید کند.

پی‌نوشت
* این ارقام مربوط به سال ۲۰۲۰ است.

کشورهای مهم جهان محسوب می‌شود. سواحل طولانی در شمال و جنوب کشور تأثیر بسزایی در معادلات جهانی دارد. جمهوری اسلامی ایران مراودات متعددی در بخش‌های مختلف با شرکای تجاری خود در اقصی نقاط جهان دارد که گستره آن کشورهای آمریکای جنوبی، اروپا و شرق آسیا و شبه‌قاره هند و جمهوری فدراتیو روسیه و کشورهای اوراسیا و همچنین کشورهای حاشیه خلیج فارس را در برمی‌گیرد. ایران با حدود ۸۵ میلیون جمعیت و متأثر از محدودیت‌ها و تحریم‌های بین‌المللی رشد اقتصادی پرتوانی را در یک دهه اخیر تجربه کرده است. با این حال پیش‌بینی می‌شود با حفظ وضعیت فعلی در سال‌های آتی، روند رو به رشد اقتصادی ادامه یافته و رشد نسبتاً پایداری در حدود ۲ درصدی را تجربه کند. مجموع تجارت ایران با شرکای تجاری در سال ۱۳۹۹ نزدیک ۱۴۶ میلیون تن و در شرایطی بوده که شدیدترین محدودیت‌ها را تجربه کرده است. از این میزان تجارت وارداتی و صادراتی بخش اعظم آن یعنی نزدیک ۹۰ درصد معادل ۱۳۰ میلیون تن از طریق بنادر دریایی بوده و تجارت دریایی را تشکیل می‌دهد. چشم‌انداز اقتصادی ایران با لحاظ کردن تمام فاکتورها و عوامل منفی محتمل نیز مثبت است؛ حال آنکه با بروز آثار و وقایع احتمالی مثبت مانند ورود به مراودات بین‌المللی چندجانبه این روند رو به رشد، فزونی نیز خواهد یافت. با این تفاسیر پیش‌بینی می‌شود سال ۲۰۲۵ مجموع تجارت دریایی ایران به بیش از ۱۵۰ میلیون تن برسد که نقش بنادر دریایی و همچنین ناوگان دریایی کشور در تحقق و حفظ امنیت این جریان تجاری مهم و ضروری است. از سوی دیگر با شکل‌گیری منطقه اقتصادی، بالطبع مراودات اقتصادی کشورهای عضو بویژه چین، روسیه و هند فزونی خواهد یافت و ظرفیت‌های ایران در بخش‌های مختلف حمل‌ونقل بویژه کشتیرانی مورد استفاده بهتر و بیشتر قرار می‌گیرد. ایران با دارا بودن بنادر دریایی فعال در جنوب کشور در خلیج فارس، ظرفیت‌های حمل‌ونقل و ترانزیتی بالایی برای توسعه تجارت خواهد داشت. چشم‌انداز توسعه بندر چابهار در دریای عمان، ارتباطات ریلی و جاده‌ای و بنادر خشک متعدد در اقصی نقاط کشور و همچنین بنادر دریایی متعدد در شمال کشور می‌تواند به عنوان حلقه وصل تجاری میان کشورهای اصلی عضو سازمان همکاری شانگهای ایفای نقش کند. در این میان گروه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران که دارای ظرفیت‌ها و توانمندی‌های متعددی در زمینه حمل‌ونقل دریایی در

رشد بسیار سریعی را تجربه کرده و با متوسط رشد اقتصادی سالانه بالغ بر ۵ درصد در این بازه، گوی سبقت را از انگلیس ربوده و جایگاه خود را به عنوان پنجمین اقتصاد برتر جهان تثبیت کرده است. هند همچنین با دارا بودن قریب به ۱/۴ میلیارد نفر جمعیت، دومین کشور پرجمعیت جهان محسوب می‌شود. پیش‌بینی می‌شود رشد اقتصادی این کشور پس از افت شدید در سال ۲۰۲۰ (منفی ۸ درصد)، در سال میلادی جاری (۲۰۲۱) به رقم خیره‌کننده ۱۲/۵ درصد برسد و پس از آن رشد پایدار بالغ بر ۶ درصد را تجربه کند.

روسیه دیگر کشور عضو سازمان همکاری شانگهای، اقتصاد نوظهور دیگری است که در یک دهه اخیر از رشد مناسبی برخوردار بوده و با متوسط رشد اقتصادی سالانه قریب به ۲ درصد در این بازه دوشادوش کشورهایمانند کانادا و کره جنوبی قرار گرفته و یازدهمین اقتصاد دنیا است. جمهوری فدراتیو روسیه با دارا بودن نزدیک ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت، نهمین کشور جهان از نظر جمعیت و با مساحت بالغ بر ۱۷ میلیون کیلومترمربع بزرگ‌ترین کشور دنیا از منظر مساحت محسوب می‌شود. هر چند پیش‌بینی‌ها حاکی از رشد قابل ملاحظه‌ای در اقتصاد این کشور نیست، با این حال، حفظ روند رشد اقتصادی پایدار یک دهه گذشته نوبدبخش است. سایر کشورهای عضو سازمان نیز از اهمیت بسزایی بویژه در تجارت منطقه‌ای برخوردارند. پاکستان، قزاقستان، ازبکستان، قزاقستان و تاجیکستان به ترتیب با حدود ۲۰۱، ۲۰۱، ۱۰۱، ۱۰ میلیون جمعیت در زمره کشورهای تأثیرگذار در اقتصادهای منطقه‌ای هستند. همچنین چشم‌انداز رشد اقتصادی این کشورها کاملاً امیدوارکننده است و رشد اقتصادی پایدار و متوسط ۴ درصدی برای سال‌های آینده این کشورها پیش‌بینی می‌شود.

■ **بهره‌مندی جمهوری اسلامی ایران از پهنه آسی در عمان و خلیج فارس ظرفیت‌های خدادادی ویژه‌ای به کشور برای توسعه اقتصادی بخشیده است. منابع فسیلی و طبیعی ایران در عرصه دریا در کنار بنادر و توان کشتیرانی ایران چه تأثیری بر جایگاه ایران در سازمان شانگهای خواهد داشت؟**

ایران با دارا بودن ذخایر غنی نفت و گاز در بخش‌های فراساحلی و همچنین ذخایر عظیم هیدروکربنی در دریای خزر و خلیج فارس، از

سازمان میان‌دولتی شانگهای که در بدو تأسیس با هدف جلوگیری از نفوذ آمریکا و همپیمانانش در منطقه، بویژه خاورمیانه و اوراسیا بنا نهاده شد و شاید در ابتدا، بعد امتیانی آن بارزتر از بقیه ابعاد بود، رفته‌رفته با اضافه شدن کشورهای نقش آفرین اقتصاد جهان مانند هند، از منظر اقتصادی متمایزتر از قبل شد. مطمئناً با توجه به ماهیت مشارکتی سازمان شانگهای، منافع قابل توجهی در عضویت در این سازمان برای ایران متصور خواهد بود. این منافع برای کشورهای عضو سازمان شانگهای، منافع ایران که به مثابه پل ارتباطی در میانه کشورهای عضو قرار گرفته، می‌تواند ظرفیت‌های مثبتی بویژه در بخش حمل‌ونقل داشته باشد. موقعیت ژئوپلیتیک خاص ایران در منطقه و جهان، بویژه با در نظر گرفتن رویدادهای اخیر در منطقه و در مرزهای شمال غرب (آذربایجان و ارمنستان) و شمال شرق کشور (افغانستان و پاکستان) می‌تواند منشأ فواید فراوانی باشد. با عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای طبیعی است که بویژه برای ژئوپلیتیک کشورمان، جایگاه دیپلماسی ترانزیت به شکل چشمگیری ارتقا خواهد یافت. به همین بهانه «وطن امروز» در گفت‌وگو با دکتر «امید گلزاری» معاون توسعه بازار کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران به بررسی ظرفیت‌های ترانزیتی و بندرگاه‌های ایران در ارتقای توان اقتصادی سازمان شانگهای و تعمیق روابط با قدرت‌های برتر آسیا پرداخته است.

■ **عضویت کامل ایران در سازمان شانگهای چه مزایایی برای اقتصاد کشور خواهد داشت؟**

با عضویت ایران در این سازمان مسلمانان بازارهای صادراتی و وارداتی ایران توسعه خواهد یافت و جایگاه ایران در دیگر نهادها و تشکلهایی که در آنها عضو است، تحکیم پیدا خواهد کرد. عضویت در سازمان شانگهای همچنین ضمن کاهش فشارها و محدودیت‌های اعمالی بر اعضا از طریق مراودات چندجانبه، سبب تسهیل و تحکیم نقش آنها در سایر پیمان‌ها و ابرپروژه‌هایی مانند جاده ابریشم جدید یا «بنتار کمربند جاده» خواهد شد. شایان ذکر است کشورهای عضو دائم سازمان همکاری شانگهای در مجموع جمعیتی بالغ بر ۳/۲ میلیارد نفر (معادل بیش از ۴۰ درصد جمعیت ۸ میلیاردی جهان) دارند و دسترسی سهل‌تر به این بازار می‌تواند فرصت‌های فراوانی در پی داشته باشد با توجه به اینکه سازمان همکاری شانگهای نسبت به یک دهه گذشته از یک نهاد غالباً امنیتی به سمت و سوی اقتصادی پیش رفته و در این راستا روزبه‌روز عمق پیدا می‌کند که تشکیل زیرمجموعه‌هایی مانند باشگاه مشترک انرژی، شورای مشترک بانکی، منطقه آزاد تجاری و... گواه این مدعا است. عضویت در این سازمان بازارهای مشترک انرژی، شورای مشترک بانکی، منطقه آزاد تجاری و... گواه این مدعا است. عضویت در این سازمان بازارهای مشترک انرژی، شورای مشترک بانکی، منطقه آزاد تجاری و... گواه این مدعا است. عضویت در این سازمان بازارهای مشترک انرژی، شورای مشترک بانکی، منطقه آزاد تجاری و... گواه این مدعا است. عضویت در این سازمان بازارهای مشترک انرژی، شورای مشترک بانکی، منطقه آزاد تجاری و... گواه این مدعا است.

فروش زیردریایی هسته‌ای به استرالیا در مقایسه با سختگیری هسته‌ای علیه ایران چگونه «ان پی تی» را زیر سؤال می‌برد

اوکاس و حقی که برای ایران ایجاد می‌کند

ایران نزدیک بود راکتور جدیدی را تکمیل کند که می‌توانست پلوتونیوم برای یک بمب تولید کند. امروز قلب این راکتور بیرون آورده شده و با سیمان پر شده است تا دیگر قابل استفاده نباشد. اوپاما گفت: قبل از توافقنامه، جهان شفافیت و دید کافی درباره برنامه هسته‌ای ایران نداشت اما امروز بازرسان بین‌المللی در داخل ایران حضور دارند و ایران هدف شدیدترین و جامع‌ترین رژیم بازرسی‌هایی است که تاکنون برای بازرسی از برنامه هسته‌ای درباره آنها مقرر شده است.

وی افزود: بازرسان تأسیسات کلیدی هسته‌ای ایران را ۲۴ ساعت و ۳۶۵ روز سال زیر نظر دارند. برای دهه‌های آینده بازرسان به کل زنجیره تداکاتی هسته‌ای ایران دسترسی خواهند داشت. در حالی که ایران قبلاً مرتب برنامه هسته‌ای خود را پیشرفت می‌داد، ما اکنون همه راه‌هایی را که ایران می‌توانست سلاح اتمی بسازد، بسته‌ایم. اکنون که جهان دسترسی بی‌سابقه‌ای به برنامه هسته‌ای ایران دارد، هر زمان که ایران بخواهد گریز هسته‌ای انجام دهد، ما متوجه خواهیم شد.

مروری بر اظهارات باراک اوپاما در روز اجرایی شدن برنامه در کنار تحولات ۳ سال گذشته و دور زدن «ان پی تی» توسط آمریکا، انگلستان و استرالیا آن هم در دولت جو بایدن که از اوضاع ترقی هسته‌ای ایران بود، برای هر ناظر بی‌طرفی این نتیجه‌گیری منطقی را به دنبال دارد که اقدام اخیر آمریکا درها را به روی ایران برای افزایش میزان غنی‌سازی باز می‌کند.

اورانیوم ۹۰ درصد غنی شده دست پیدا می‌کند که قرار است آن را برای هدف غیر صلح‌آمیزی چون تهدید چین در اختیار بگیرد. با این تفاسیر، دولت بایدن و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان نهادی برآمده از نظم پساجنگ جهانی دوم که طی این سال‌ها تبدیل به اهرم فشار حقوقی بین‌المللی در جهت مهار و کنترل برنامه صلح‌آمیز و متعارف هسته‌ای ایران بوده است، نباید انتظار توقف غنی‌سازی ۶۰ درصدی و حتی بالاتر توسط ایران و رعایت کامل «ان پی تی» از سوی تهران را داشته باشند.

برای نتیجه‌گیری بهتر شاید باید به گذشته بازگشت؛ جایی که باراک اوپاما رئیس‌جمهور وقت آمریکا ۲۷ دی ۹۴ می‌گوید: بر اساس توافقنامه هسته‌ای که ما و متحدانمان و شرکایمان با ایران دست یافتیم، ایران به بمب اتم دست پیدا نخواهد کرد. بیش از یک دهه بود ایران برنامه هسته‌ای خود را پیش برده بود و پیش از توافقنامه، ایران حدود ۲۰ هزار سانتریفیوژ نصب کرده بود که می‌تواند اورانیوم را برای تولید بمب اتمی غنی‌سازی کند. امروز ایران دوسوم از این دستگاه‌ها را برچیده است. رئیس‌جمهور آمریکا گفت: قبل از این توافقنامه به طور مرتب ذخیره اورانیوم غنی‌سازی شده خود را افزایش می‌داد که برای ساخت تا ۱۰ عدد بمب اتمی کافی بود. امروز بیش از ۹۸ درصد از این ذخیره اورانیوم غنی‌شده به خارج از ایران منتقل شده است، این بدان معناست که ایران دیگر ماده کافی برای حتی یک بمب را هم ندارد. رئیس‌جمهور آمریکا افزود: قبل از توافق هسته‌ای،

بیان کرده است سوالات نگران‌کننده و جدی زیادی درباره ارسال تکنولوژی‌های هسته‌ای و همچنین زیردریایی‌های هسته‌ای برای کانبرا وجود دارد. او معتقد است این تکنولوژی سیاست‌های مرتبط با کنترل تسلیحات هسته‌ای را دچار شکست می‌کند. وی همچنین معتقد است با این اقدام موضع قدیمی و جدی آمریکا برای سیاست‌های مقلبه با اشاعه تسلیحات هسته‌ای زیر سؤال می‌رود.

پلیتیکو می‌نویسد: اگرچه آمریکا برای مقابله با چین و رقابت‌های اقتصادی با یکن، جلجلی عجیب دارد اما به نظر می‌رسد تاکنون نتوانسته راهی برای حفظ آبروی خود در دور زدن قوانین منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای برای استرالیا پیدا کند و حالا فکر می‌کند با توجه به ۱۸ ماه زمان برای رساندن این تکنولوژی به استرالیا، فرصت کافی برای غالب کردن روایت خود در این باره را دارد. این اتفاقات در شرایطی اتفاق می‌افتد که در مورد مشابه، تمام فعالیت‌های هسته‌ای ایران زیر دوربین نظارت آژانس بین‌المللی انرژی قرار دارد و تهران طی نزدیک به ۲ دهه به شدیدترین نظارت بازرسی و راستی‌آزمایی برای اثبات حسن‌نیت خود و صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای‌اش استرالیا یعنی کشوری که عضو «ان پی تی» بوده و باید عامل به مواد پیمان منع اشاعه هسته‌ای و دستورالعمل‌های مربوط به آن باشد، بدون واهمه و نگرانی به بالاترین تکنولوژی هسته‌ای با

ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۵۱ در سافرانسیسکو است که در آستانه آغاز جنگ سرد میان شوروی سابق و آمریکا به امضا رسید. بر همین اساس است که یکن با واکنش نسبت به اوکاس، از آمریکا خواست نگرش کهنه جنگ سرد را کنار بگذارد.

در طرف دیگر ماجرا پیمان اوکاس لغو قرارداد فروش زیردریایی‌های فرانسوی به استرالیا موسوم به «قرارداد قرن» را در پی داشت که در نتیجه آن استرالیا قرارداد ساخت زیردریایی‌هایی را که فرانسه طراحی کرده است، کنسل می‌کند. فرانسه سال ۲۰۱۶ برنده یک قرارداد ۶۶ میلیارد دلاری برای ساخت ۱۲ زیردریایی «غیرهسته‌ای» برای نیروی دریایی استرالیا شده بود که بزرگ‌ترین قرارداد دفاعی این کشور محسوب می‌شد. این اتفاق موجب شد برای نخستین بار پاریس، سرفرایش را از آمریکا و استرالیا بخواهد. ۲ کشور چین و فرانسه به عنوان قدرت‌های هسته‌ای عضو شورای امنیت سازمان ملل در پی امضای این پیمان، منافع خود را در خطر می‌بینند. «ژان لوی جیان» سخنگوی وزارت خارجه چین گفت: ائتلاف این ۳ کشور خطر «وارد شدن خسارات شدید به صلح منطقه‌ای و تشدید رقابت تسلیحاتی» را به همراه دارد. او از آنچه «فهرست کهنه جنگ سرد» خواند، انتقاد کرد و به این ۳ کشور هشدار داد «به منافع خود ضربه می‌زند».

نشریه پلیتیکو در گزارشی در مصاحبه با کارشناسان کنترل تسلیحات به نگرانی‌ها درباره رفتار هسته‌ای دولت بایدن پرداخته است. «هریل کیمبال» مدیر مؤسسه کنترل سلاح در آمریکا

علیرضا حجتی: توافق امنیتی جدید آسیا و اقیانوسیه (اوکاس) بین آمریکا، انگلستان و استرالیا بار دیگر پرسش‌های فراوانی را درباره استانداردهای دوگانه واشنگتن نسبت به معاهدات بین‌المللی نزد ناظران جهانی ایجاد کرده است.

این توافق که به موجب آن آدلاید در جنوب استرالیا مرکز ساخت ۸ زیردریایی هسته‌ای خواهد شد که هدف‌شان کنترل چین در منطقه آسیا-پاسفیک است، به شدیدترین وجهی NPT- پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای- را دور می‌زند. آن هم درست در روزی که واشنگتن- در حالی که با پشت پا زدن به توافق هسته‌ای که قطعنامه شورای امنیت را در پشت خود داشت از آن خارج شد- انتظار دارد ایران از توسعه برنامه هسته‌ای خود دست برداشته و به محدودیت‌های استثنایی ذیل برجام بپردازد. در روزهایی که آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای برای کار کردن دوربین‌هایش در تأسیسات هسته‌ای ایران خود را به آب و آتش می‌زند و با توغاف اقداماتی از تنها عضو برجام که کاملاً به تعهدات خود عمل کرده می‌خواهد به پروتکل الحاقی هم بپیوندد، بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حتی نمی‌توانند در یک زیردریایی هسته‌ای که در اختیار استرالیا قرار می‌گیرد، برای هفته‌ها حضور داشته باشند تا بتوانند آنجا را مورد بازرسی قرار دهند.

اما ماجرا فقط این نیست؛ برای چین توافق امنیتی واشنگتن - لندن - کانبرا یادآور پیمان نظامی مشترک میان استرالیا، نیوزیلند